



نقش ادبیات به عنوان سرمایه ملی - معنوی در شکل گیری هویت ملی کودکان

مهناز احمدی دستجردی

مریم عابدی جبلی

چکیده

یکی از مسائل مهمی که در روند هویت یابی کودکان می توان پیرامون آن بحث نمود ، زبان و ادبیات کودک است. ادبیات حقیقتی زنده و زاینده است که مدام در حال رشد و تغییرمی باشد و مرگ آن هنگامی رقم خواهد خورد، که گویای فرهنگ و هویت ملی یک جامعه نباشد و ادبیات کهن دستخوش هجوم و یا به فراموشی سپرده شود. در شرایط کنونی ما نیز به عنوان یک کشور اسلامی باید با توجه به فرصت ها و تهدیدها ی ناشی از روند جهانی شدن خود را برای مواجهه با این پدیده مهیا ساخته و با اتکا به داشته های فرهنگ غنی ایرا نی-اسلامی علاوه بر حفظ هویت به ویژه هویت ملی خود و با بهره گیری از ابزار برآمده از فرهنگ ایرانی- اسلامی در صدد حفظ هویت ملی خودبوده و در عین حال از فرصت های موجود در فرایند جهانی شدن بهره گرفته و از یک ایران منزوی و عقب مانده دور بمانیم. در این پژوهش از روش مرور اسنادی و مطالعه کتابخانه ای سعی شده است تاثیر ادبیات در هویت یابی ملی کودکان مورد بررسی قرار گرفته ودر این راستا از ادبیات کهن مانند قصه، لالایی، ضرب المثل ها و چیستان ها بحث شده است.نتایج بررسی ها حاکی از این است که کودکان پیش دبستانی از طریق ادبیات شنیداری و تصویری به هویت ملی خود دست یافته و این امر در سنین پیش دبستانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

کلید واژه ها: هویت، هویت ملی، کودک، دوره پیش دبستانی، ادبیات کودک



مقدمه

انسان از زمان کودکی که واژه من را درک می کند و خود را متمایز از دیگران می داند، به دنبال کسب فردیت است و پیوسته خود را با دیگران قیاس نموده و وجوه تمایز خود از دیگران را بازشناسی می کند. این شناخت با افزایش سن کودک گسترش پیدا کرده و ابعاد جدیدتری از تفاوت های فردی را که قبلاً برای کودک ناشناخته بوده در بر می گیرد. مشاهداتی که از کودکان فرهنگ ها و مناطق مختلف شده است، نشان می دهد در همه کودکان رفتارهای خاصی ظاهر می شود که حکایت از خود آگاهی آنان دارد (ماسن و همکاران، ۱۳۸۰) «کمتر اندیشمندی در این واقعیت تردید دارد که آدمی از آن زمان که به هیات انسانی و اجتماعی در آمده همواره دل مشغول هویت فردی و جمعی خویش یا به تعبیر یاکوبسن دل بسته "احساس تمایز شخصی، احساس تداوم شخصی و احساس استقلال شخصی" خود بوده و قدسی ترین و منبسط ترین گفتمان های خود را پیرامون این مقوله فصل بندی کرده است» (تاجیک، ۱۳۸۴) یکی از ابعاد مهم هویت جمعی مردم یک جامعه هویت ملی است که همان احساس تعلق و تعهد نسبت به اجتماع ملی و نسبت به کل جامعه است، و می توان گفت هویت ملی به این معنا است که افراد یک جامعه، نوعی منشأ مشترک را در خود احساس کنند. (کوشا، ۱۳۷۸) نزد ایرانیان هویت ملی هم چنین عالی ترین نماد تجلی هویتی مردم ایران است و هویت های شخصی و اجتماعی در پوشش و تعامل، و نه تقابل با آن جلوه گر شده اند (احمدی، ۱۳۸۸).

اهمیت و ضرورت

مسئله هویت دیر زمانی است که در کانون توجه اندیشمندان و محققان جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی قرار گرفته است. هویت نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان پذیر می کند، بلکه به زندگی افراد معنا می بخشد. هویت یابی فرایندی برای خودشناسی کنشگران اجتماعی است که معناسازی نیز به واسطه آن صورت می گیرد. هویت ها معانی کلیدی هستند که ذهنیت افراد را شکل می دهند به واسطه هویت مردم به دیگران می گویند که چه کسی هستند و مهمتر اینکه به خودشان نیز می گویند که چه کسی هستند. شکل گیری هویت در اجتماعات گوناگون به شکل های متفاوتی شکل می گیرد. در "جوامع سنتی" هویت شخصی در پناه هویت اجتماعی به صورت غیر رسمی شکل می گرفت و مبتنی بر سوابق و ریشه های تاریخی گذشته بوده است. افراد در چنین جوامعی از طریق نوعی نظم معنایی یکپارچه ساز که همه گروه های متفاوت جامعه را در برمی گیرد، به یکپارچگی می رسند. این نظم معنایی عمده‌تاً نظم دینی است. به عبارتی در جوامع سنتی حوزه های تکوین شامل خانواده، دین و محل کار بوده است. (دان، ۱۳۸۵) در جامعه مدرن امروزی، منابع و فرایند هویت یابی به



گونه ای متفاوت از جوامع سنتی می باشد. امروزه، هویت در اسناد بین المللی و حقوق داخلی کشورها به عنوان یک حق، به شیوه ها و نمادهای خاص مورد شناسایی قرار می گیرد. در حال حاضر تقریباً تمامی کشورها از شناسنامه که وسیله ای برای شناسایی هویت فردی است، استفاده قانونی می کنند. بنیان های هویتی افراد معمولاً در کودکی شکل می گیرد. شرایطی که کودکان تسلطی بر عناصر هویتی خود ندارند؛ بنابراین حمایت از هویت کودک از اهمیت بالایی برخوردار خواهد بود. بدین جهت، کنوانسیون حقوق کودک، عناصر هویت کودک را شامل نام، تابعیت و ارتباط والدین در نظر گرفته و در جهت حفظ این عناصر، تکالیفی را بر دوش دولت های عضو گذارده است. تشخیص اینکه ثبت تولد کودک و صدور شناسنامه، برخورداری از انواع حقوق اولیه فراتر از اسم، خانواده و ملیت را ارتقاء می دهد، از اهمیت زیادی برخوردار است. (اسدی، ۱۳۸۷) شکل گیری هویت فردی محصول تقابل کودک، اطرافیان و محیط، (اشیا و طبیعت) و سرانجام ابررسانه (زبان) است (مایکل ریل به نقل از میر فخرایی، ۱۳۸۵) زبان اساس فرایند اجتماعی شدن کودک در جامعه است. (Giddens, 1989) اصولاً فرایند اجتماعی شدن به معنای خاص کلمه، فرایند کسب شناخت است که اولین مرحله آن، شناخت «خود» از جانب کودک است. شناخت کودک از خود نیز وابسته ای از شناخت ضمیر «من» به شمار می رود. شناخت کودک از «خود» معطوف به درک ضمیر «خود» از جانب کودک است. کودک پیش از اینکه دو ضمیر «من» و «تو» را درک کند، قادر به تفکیک خود از مادر و در کل، جهان بیرون نیست. کودک با یادگیری زبان، عضویت در جامعه اطراف خود را قبول می کند و از این راه به فراگیری مراسم، روابط و هنجارهای جامعه بلافصل خود می پردازد و به عضویت پاره فرهنگ های مزبور در می آید.

ادبیات همواره بازتابی از ارزش ها، تنش ها، اسطوره ها و روانشناسی است که سرانجام، ویژگی های مشخصه های کلی قوم و ملت را مشخص می سازد. یک قوم و ملت مانند یک جامعه قابل تصور و مجسم است. هرچند بیشتر اعضا و افراد یک ملت یکدیگر را نمی شناسند و هرگز با یکدیگر ملاقات نمی کنند و با هم گفت و شنودی ندارند، با این حال همه آن ها به عنوان افرادی مستقل در بطن جامعه خود، تصویر و تجسم مشترکی نسبت به هویت و مشخصه های خود دارند. بدون شک، از عناصر اصلی سازنده هر ملتی، ادبیات است. ادبیات از روندی که طی آن ملل تشکیل می شوند و خود را از سایر ملل متمایز می سازند از عناصر اصلی است. ادبیات ملی و قومی هر کشور، علاوه بر آشکار ساختن هویت و مشخصه های منحصر و خاص آن ملت، نقش فعال و پویایی نیز در شکل گیری آن هویت دارد. هویت فرهنگی هر جامعه به سه عامل بستگی دارد: تاریخ، زبان و روان شناختی؛ اهمیت این سه عامل در موقعیت های تاریخی و اجتماعی مختلف یکسان نیست؛ هرگاه این عوامل به طور کلی در یک ملت یا فرد وجود نداشته باشد، هویت فرهنگی ناقص می شود و تلفیق موزون این عوامل یک وضعیت ایده آل است. هرگاه یکی از این عوامل تحت تاثیر قرار گیرد



شخصیت فرهنگی جمعی یا فردی تغییر می‌کند. این تغییرات ممکن است تا آن جا ادامه یابد که موجب یک بحران هویتی می‌شود. امروزه یکی از بحران‌های پیش روی بشر، بحران هویت است که کیان و وجود جوامع را به چالش می‌طلبد و فرهنگ آنچه برای ما اساسی و پایه است، فرهنگ و تمدن غنی اسلامی و ایرانی است که به عنوان شناسنامه و معرف ما در عرصه جهانی نمود دارد.

از آن جایی که هویت ملی ارتباط قوی با وحدت ملی یک جامعه دارد، نظام‌های سیاسی توجه زیادی به محتوای هویت ملی و چگونگی انتقال و حفاظت از آن نشان می‌دهند. تأثیرات عرصه هویت ملی به قدرت و حکومت‌ها محدود نمی‌شود. درکنار تأثیرگذاری بر ابعاد سیاسی، اقتصادی و مدنی زندگی، هویت ملی بر چگونگی تعریف ما از خود، نحوه زندگی و رابطه با دیگران تأثیر می‌گذارد. چنان که برداشت افراد از هویت ملی خویش، اهداف، هنجارهای رفتاری، امیدها و آرزوهای آنان را درباره کشورشان تعیین می‌کند (حسینی و درویزه، ۱۳۹۱) و از این رو توجه به محتوای هویت ملی و راه‌های حفظ و تقویت آن برای تمامی جوامع از اهمیت فراوانی برخوردار است. هویت ملی در ایران با توجه به فرهنگ و تاریخ مشخص، خود مستقل از منابع هویتی دیگر جوامع بوده است. ارتباط با غرب در قرون جدید به تلاش‌هایی برای شکل‌گیری یک دولت مدرن در ایران انجامید و در پی آن مفهوم هویت ملی در معنای نوین آن مطرح شد. تداوم تأثیرات فرهنگ غرب موجب شد به تدریج هویت ایرانی به ساختار پیچیده‌ای با عناصر مدرن، اسلامی و ایرانی تغییر کند. ترکیب این ساختار و تنوع قومی، زبانی و فرهنگی در ایران، دست‌یابی و حفظ یک هویت ملی واحد و منسجم را با چالش‌هایی همراه کرده است و موجب شده تا در برابر بحران هویت به عنوان یک مساله اجتماعی چندان مصون نباشیم. لذا، توجه به شیوه‌های انتقال هویت ملی در ایران دارای اهمیت فراوان است. نوشتار حاضر هویت و فرهنگ ایرانی - شیعی برآمده از تاریخ و دین اسلام و زبان و ادبیات فارسی را به عنوان ساختار معنایی و سبک زندگی مدرن در عرصه خصوصی و عمومی به عنوان ساختار مادی هویت ملی ایرانی مورد بررسی قرار می‌دهد.

هویت، تعاریف و انواع آن

هویت، به معنای پنداشت نسبتاً پایدار فرد از کیستی و چیستی خود در ارتباط با گروه‌های دیگر تعریف می‌شود که از طریق تعاملات اجتماعی فرد با دیگران در فرایند اجتماعی شدن تکوین می‌یابد (عبداللهی و حسین بر، ۱۳۸۱)، به نظر ترنر هویت را می‌توان به دو نوع فردی و جمعی تقسیم کرد. (بودوزک، ۲۰۱۱ به نقل از نجار و فربانعلی زاده، ۱۳۹۳) یکی از جامع‌ترین بخش‌های هویت جمعی، هویت ملی است که



فراگیرترین و درعین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام های اجتماعی به شمار می آید (حاجیانی، ۱۳۷۹).

هویت مانند لایه های زمین شناسی است، به این معنی که همیشه در سطح هر جامعه هویت و نشانه های بارزی از آن هست که افراد به آن رجوع کرده و خود را در ارتباط با آن تعریف می کنند. ولی واقعیت آن است که هویت های پیشین از بین نرفته اند بلکه در زیر لایه اول قرار دارند. بنابراین اگر شما شکافی به شکل V در لایه های هویتی جامعه ایجاد کنید، با هویت های گوناگونی روبرو می شوید که در این جامعه وجود دارند. منتها هر دوره تاریخی یک بعد را عمده می کند بدون آنکه هویت های پیشین از بین رفته باشند (بروجردی، ۱۳۷۹) کاستلز برای هویت سه منشا به شرح زیر قائل است: ۱) هویت مشروعیت بخش؛ منشاء این هویت نهادهای اغلب جامعه یا نهادهای دارنده اقتدار، هستند. این هویت از نوع هویت سلطه است؛ ۲) هویت مقاومت؛ این هویت با کنشگرانی نسبت دارد که هویت سلطه، ارزش های آنها را سرکوب می کند و آنها نیز در مقابل سلطه پایگاه مقاومت خود را برپا داشته اند؛ ۳) هویت برنامه دار؛ این هویت توسط کنشگرانی ساخته می شود که می خواهند جامعه را تغییر دهند تا جامعه وضعیت آنها را از نو تعریف کند. جایگاه این هویت ها ثابت نیست و آنها در متن تاریخ معنا و جایگاه خود را پیدا می کنند. ممکن است هویت مقاومت در برهه ای از زمان، برنامه ای برای تغییر داشته باشد و در زمره هویت برنامه دار قرار گیرد، اما پس از به انجام رساندن تغییر مورد نظر به هویت مشروعیت بخش یا هویت سلطه تبدیل می شود. کاستلز جامعه مدنی مدرن را در زمره هویت مشروعیت بخش قرار می دهد. این هویت به شیوه ای متناقض نما، منابع سلطه ساختاری را توجیه عقلانی می کند. این تعبیر از جامعه مدنی با تعبیر متعارف از جامعه مدنی به عنوان پایگاه استقرار و حفظ ساختار دموکراتیک در جامعه مغایرت دارد ظاهراً با این حال چنان که کاستلز می گوید، تعبیری است که پدری معنوی اندیشه جامعه مطرح کرده است. (Jones, 2006 به نقل از صالحی امیری و حبیبی، ۱۳۸۸)

بنابراین در طول تاریخ در مورد کشور هایی که با هویت های گوناگونی روبرو بوده اند، هر یک از آن هویت ها خود به عنوان پایه های مهم هویتی آن کشور محسوب می شوند. در ایران، هویت پیش از اسلام، هویت اسلامی و برخورد ایران با تجدد غربی به عنوان سه پایه هویت محسوب می شوند.

هویت و هویت ملی

هویت به معنی چیستی و کیستی است که از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن و در پیوند با چیزی یا جایی بر می آید. این نیاز به وابستگی، ریشه ای ذاتی یا غریزی در انسان می باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۵) که به ظاهر متناقض به کار می رود. نخست به معنای همسانی و یکنواختی مطلق و دوم به معنای تمایزی که در برگیرنده



ثبات یا تداوم در طول زمان است. (گل محمدی، ۱۳۸۱) احساس هویت از مجموعه متفاوت احساس ها ترکیب می شود مانند: احساس وحدت، هم سازی، تعلق، ارزش، استقلال و احساس اعتماد سازمان یافته بر محور اراده موجود. می توان از هسته های متعدد هویت فردی، گروهی، قومی، مذهبی و ملی نام برد. (شیخاوندی، ۱۳۸۰) هویت با یکسانی، شباهت و برابری همراه است. (آشوری، ۱۳۸۰)

مانوئل کاستلز، هویت را روند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی یا یک دسته ویژگی های فرهنگی که بر دیگر منابع معنا برتری دارند تعریف می کند. در نتیجه معناساز بودن هویت، بر بساخته بودن آن دلالت می کند؛ به این معنی که چیزی طبیعی و ذاتی و از پیش موجود نیست بلکه همیشه در حال ساخته شدن است. هویت ها همواره تولید و باز تولید می شوند. هویت ملی نوعی احساس وابستگی و تعلق است که جمعیتی از انسان ها در یک چارچوب جغرافیایی خاص به مجموعه ای از عناصر جمعی حیات مشترکشان در تداوم تاریخی از خود نشان می دهند. (ثلاثی، ۱۳۸۵) مهم ترین عناصر و نمادهای ملی که سبب شناسایی و تمایز می شوند عبارتند از: سرزمین، دین و آئین، آداب و مناسک، تاریخ، زبان و ادبیات، مردم و دولت. (یوسفی، ۱۳۸۰) اولین وظیفه یک نظام سیاسی ایجاد هویت ملی در میان جمعیت زیر حاکمیت خویش است و اولین قدم در این راه جامعه پذیری یا انتقال مفاهیم، ارزش ها و دیگر تصورات جمعی به فرد می باشد. هویت ملی قسمتی از نظام فرهنگی است که در شخص به خود آگاهی و حضور مستمر می رسد و جزئی از شخصیت او محسوب می شود. (نقیب زاده، ۱۳۸۱)

هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی و قسمتی از نظام فرهنگی در یک جامعه است که از یک طرف در درون جامعه نوعی همبستگی و انسجام بین اعضای خود ایجاد می کند و از طرف دیگر این جامعه را به عنوان یک کل از جوامع دیگر متمایز و متفاوت نشان می دهد. همچنین هویت ملی را نوعی احساس خود بودن جمعی دانسته اند.

آنچه اغلب محققان بر آن اتفاق نظر دارند این است که سه رکن مهم و عمده هویت ملی ایرانی اسلامی عبارتند از: ۱. تاریخ مشترک؛ ۲. زبان و ادبیات فارسی؛ ۳. دین اسلام. (نقیب زاده، ۱۳۸۱؛ شایگان، ۱۳۸۰؛ تکمیل همایون، ۱۳۸۶؛ بشیریه، ۱۳۸۱)

بنابر آنچه که گفته شد ساختار معنایی هویت ملی ایرانی متشکل از تاریخ و اسطوره های مشترک، زبان و ادبیات فارسی و دین اسلام و مذهب تشیع است. البته سبک زندگی شخصی و روش های زیست اجتماعی شهروندان به دلیل سیطره تکنولوژی همسو با تحولات جهانی، مدرن شده است. اما نکته حائز اهمیت این است که با مدیریت کارآمد می توان ساختار مادی هویت را در راستای حفظ و اعتلای هرچه بیشتر ساختار معنایی هدایت کرد. به



واقع، در صورت حفظ ساختارهای معنایی هویت ملی می توان به بازتولید ساختارهای مادی در فضای جهانی شدن پرداخت. ساختار معنایی قدرتمند و منحصر به فرد هویت ملی ایرانی نیازمند بازسازی و بازتولید ساختارهای مادی هویتی و فرهنگی است که این مهم نه تنها هویت ملی ایرانی را از تهاجم هویت های بیگانه مصون می کند بلکه به سکوی پرتاب فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی به فضای جهانی شدن منجر خواهد شد. بنابراین، با تفکیک میان ساختارهای مادی و معنایی هویت ملی ایرانی و بیان مؤلفه های هر یک از آنها و با تکیه بر اصول تئوری سازه انگاری می توان بر این نکته تأکید کرد که نه تنها می توان هویت ملی ایرانی اسلامی را از آسیب هویت های بیگانه در عرصه جهانی سازی مصون داشت، بلکه با تکیه بر ساختارهای معنایی و بازتولید ساختارهای مادی هویتی و فرهنگی می توان به اشاعه تفکر منطقه گرایی فرهنگی با درخشش هویت ملی ایرانی اندیشید.

ساختار هویت ملی ایرانی

۱) هویت ایرانی

هویت ایرانی با هویت ملی یکی نیست. هویت ملی ادامه هویت ایرانی است که در برخورد با مدرنیته و دنیای غرب مورد بازشناسی و تعریف علمی و تاریخی قرار گرفت. مفهوم هویت ایرانی در معنای یکپارچگی سیاسی و قومی و دینی و زبانی و زمانی و مکانی آن شباهت هایی به مفهوم هویت ملی در عصر جدید دارد که در قرن سوم میلادی از سوی پادشاهان ساسانی وارد تاریخ ایران می شود. (اشرف، ۱۳۸۳) به تعبیر جرالدنولی در آن زمان، در پاسخ به بحران هویت دوران اشکانیان، مفهوم ایرانی به عنوان یک انگاره سیاسی، مذهبی و قومی شکل می گیرد. (بی نا، ۱۳۸۶) ساسانیان نام «ایرانشهر» (کشور ایران) را از «ایرانای» هخامنشی گرفتند و بر این سرزمین نهادند. ایران یا «ایرانا» تنها نام یک کشور نیست، بلکه یک مفهوم است، یک فرهنگ است. (مجتهد زاده، ۱۳۸۵)

حال مسئله این است که در فرهنگ و هویت ایرانی دگرگونی های فراوان پدید آمده است. تاریخ ایران مملو از شکست ها و تهاجم های خانمان سوز است. در این راستا دین، زبان، خط، خلق و خو، آیین و ... ایرانی تغییر کرده است ولیکن مفهوم هویت ایرانی، فرهنگ ایرانی و شخصیت ایرانی استمرار یافته است. می توان گفت که فرهنگ و هویت ایرانی بیش از هر چیزی از پیرامون زیست محیطی، روانی و تاریخی اش اثر پذیرفته است و همچنان که پیوست و نمادهای مختلفی به خود گرفته است دارای ساخت است.

ساخت هویت ایرانی بر مبنای اسطوره ها شکل گرفته است و توسط زبان و ادبیات فارسی در طول تاریخ استمرار یافته است. دو رکن اساسی هویت ایرانی را اسطوره ها و زبان و ادبیات فارسی تشکیل می دهد. اسطوره های



باستانی ایرانی بعد از اسلام، عموماً و تشیع، خصوصاً شکوهمندتر حافظ هویت ایرانی می شوند و زبان و ادبیات فارسی هر چند از پهلوی به فارسی دری تغییر شکل می دهد - با پذیرش الفبا و دستور زبان عربی - همچنان پاسدار هویت و ارزش های ایرانی باقی می ماند. همین اسطوره ها و زبان و ادبیات فارسی حافظ هویت ایرانی می شوند. اسطوره های ایرانی در شاهنامه فردوسی متبلور می شوند. شاهنامه را می توان سند هویت ملی ایرانیان محسوب کرد که فردوسی علاوه بر آنکه زنده کننده زبان فارسی است ضامن استمرار هویت ایرانی نیز هست.

۲) هویت اسلامی - شیعی

گذشته ماقبل اسلامی این کشور به قدمت عهد باستان است و سه سلسله شاهنشاهی ایران یعنی هخامنشیان، اشکانیان و ساسانیان همچون امپراتوری رم در غرب، در قلمروی بی کران که از هند و پاکستان و بین النهرین تا آسیای صغیر را در بر می گرفت، ضامن وحدت و یکپارچگی بودند. این گذشته اگر نگوییم همچنان زنده است، دست کم باید گفت در اذهان حضوری مؤثر دارد. (شایگان، ۱۳۸۱)

هویت اسلامی در مقایسه با این گذشته چندین هزار ساله، گرچه از قدمت کمتری برخوردار است اما تأثیر گذاری آن قوی تر بوده است؛ چراکه دین اسلام علاوه بر جاذبه های مادی دارای جاذبه های قدرتمند معنوی است. البته اطلاق شاه شهیدان به امام حسین (ع) و شاهزاده قاسم در مراسم عاشورا تا واژه هایی مثل شاه بیت و شاه نشین و امثال آن نیز حکایت از استمرار فرهنگ پیش از اسلام دارد. (نقیب زاده، ۱۳۸۱) در اعتقاد به ظهور منجی، قرابت تفکر ایرانی با مهدویت شیعی قابل توجه است. در نظر شیعیان، امام دوازدهم (عج) از نظرها غایب است تا روزی به فرمان حق تعالی دوباره ظهور کند و داد مظلومان را از ظالمان بستاند و جهان را از عدل و داد پر کند. رمزگان مذکور به اصول و باورهای دینی (شیعی) ایرانیان پیوست و در ژرفای هویت و فرهنگ ایرانی استوارتر باقی ماند. سرانجام هویت ایرانی - اسلامی (شیعی) پایه و اساس تشکیل دولت شیعی و ملی مستقل در عصر صفویه و گسترده شدن مرزهای کشور و رساندن آنها به مرزهای عصر ساسانی می شود. «محدود و بسته ماندن ایران در مجاورت با دو دشمن اهل تسنن (ازبک ها و عثمانی ها) و تلاش صفویان در تمایز و تفکیک ایران به یاری مذهب شیعه مبنای معرفی خود ایرانی با هویت شیعی در برابر جهان سنی می شود. همین هویت مبنای هویت تاریخی ما تا هنگام ورودمان به دنیای مدرن تا انقلاب مشروطه بود». (آجودانی، ۱۳۸۶)

هویت ملی



هویت های ملی انسان ها در دنیای جدید نیرویی بسیار قوی محسوب می شوند. هرگاه تیم ملی فوتبال کشورمان با کشور دیگری بازی می کند، واکنش عاطفی ایرانی ها سراسر کشور ایران را در بر می گیرد و این خود نشان دهنده اهمیتی است که مردم این کشور برای هویت ملی خود قائلند. البته چنین عواطفی در همه کشورها دیده می شود. وقتی کشوری جام جهانی را می برد چنان غرور ملی آنها تحریک می شود، گویی تک تک افراد آن کشور جام را تصاحب کرده اند. وقتی افراد در مورد عضویت کشورشان در یک سازمان فراموشی صحبت می کنند و شور و حرارتی که در کلامشان دیده می شود، نیز نشان از هویت ملی افراد است. هویت ملی به افراد جنبه عینی و مادی می دهد. بدین معنی که هویت ملی مان را ساخته دست انسان، قراردادی و مصنوعی تلقی نمی کنیم، بلکه آن را واقعیتی عینی می پنداریم که به ضرورت و به طور اجتناب ناپذیری جهان باید بر آن اساس شکل بگیرد. از این رو می توانیم ملیت را تا حدودی «طبیعی» و «بهنجار» قلمداد کنیم. به همین دلیل است که فردی را برای اولین بار می بینیم اولین چیزی که به طور غیر ارادی به ذهنمان می رسد این است که این شخص باید یک ملیتی مشخص داشته باشد همانطور که باید پدر و مادری داشته باشد. هویت های ملی به طور فوق العاده ای نافذند؛ یعنی چیزهایی که به هویت ملی ما مرتبط است، به همه جنبه های زندگی ما نفوذ و رسوخ پیدا می کنند: از زبان مورد تکلم ما تا غذای مورد استفاده ما، از پیش بینی وضع هوا که در تلویزیون تماشا می کنیم تا رویدادهایی که در روزنامه ها در مورد آنها مطالبی می خوانیم، از لباس هایی که می پوشیم تا سبک های زندگی که اختیار می کنیم، از چشم اندازهایی که احساس تعلق عاطفی به آن ها داریم تا معماری خانه هایی که در آنها زندگی می کنیم، همگی نشان دهنده رسوخ هویت ملی در جنبه های گوناگون زندگی هستند.

جنبه های شناختی هویت ملی

۱- برای آن که احساس هویت ملی داشته باشیم ابتدا باید از وجود یک گروه ملی آگاهی داشته باشیم. یعنی به این امر آگاهی داشته باشیم که گروهی از افراد هستند تحت عنوان «مردم ایران» گروه بندی شده اند. شاید این مسئله به نظر بدیهی برسد اما در اوایل کودکی، کودکان فاقد چنین آگاهی هایی هستند. چگونگی کسب آگاهی از وجود گروه ملی از اهمیت زیادی برخوردار است. ۲- پس از کسب آگاهی از وجود گروه ملی این که فرد خود را عضوی از این گروه ملی بداند اهمیت می یابد. یعنی این که آیا کودکان به محض آگاهی از وجود گروه ملی، خود را نیز عضو آن گروه می دانند یا برعکس، ابتدا آگاهی می یابند و مدت ها بعد به تدریج خود را عضو آن گروه احساس می کنند. ۳- هویت های ملی در سطح عینی به قلمروهای جغرافیایی خاص مرتبط هستند. مثلاً ایران دارای یک قلمرو جغرافیایی واقعی است و یکی از مهم ترین جنبه ها برای بسیاری از مردم این کشور، پیوند عاطفی آنان با این قلمرو فیزیکی است. پس لازم است به این نکته بپردازیم که کودکان چگونه نسبت به



قلمروی جغرافیایی ملی شناخت پیدا می کنند؟ ۴- زیر عنوان قلمروی جغرافیایی ملی، نهادها، نمادها، رسوم و سنت هایی وجود دارند که به عنوان نشان ها یا بازنامه های هویت ملی عمل می کنند. علاوه بر این ها رویدادهای تاریخی خاص و چهره های شاخص تاریخی وجود دارند که برای بسیاری از افراد، جزو مهم ترین مولفه های هویت ملی شمرده می شوند. ۵- باورهای متفاوتی وجود دارند که بخش مهمی از احساس هویت ملی افراد را تشکیل می دهند. مثلا برای برخی افراد احساس هویت ملی در بر گیرنده باورهای ضمنی در خصوص تبار و نیاکان مشترک اعضای گروه ملی باشد. بنابراین ملت گاهی اوقات به عنوان مجموعه ای از خانواده هایی که مرتبط به یکدیگر هستند، تلقی می شوند. زیرا همه آنها تبارشان به اجداد مشترکی می رسد که اسلاف ملت محسوب می شوند؛ یعنی این باور وجود دارد که اعضای ملت همگی به یک «شبکه بزرگ خویشاوندی مرتبط تعلق دارند» بنابراین وظیفه متخصصان تربیتی و روانشناسان رشد بررسی شرایطی است که تحت تاثیر آن، کودکان اعتقاد به تبار و خویشاوندی مشترک را فرا می گیرند و عوامل موثر بر این فراگیری را نیز می آموزند. ۶- احساس هویت ملی در برگیرنده اعتقاداتی راجع به ویژگی های کلی و صفات یک گروه ملی است. مثلا ایرانی ها به مهمان نوازی، جوانمردی و شجاعت شهرت دارند؛ بدین ترتیب باید این که کودکان چگونه چنین باورهایی و ویژگی ها و پیش داوری های ملی را فرا می گیرند را مشخص نماییم. ۷- احساس هویت ملی می تواند در بر گیرنده باورهای ضمنی در خصوص «خود» در ارتباط گروه ملی باشد؛ خصوصا راجع به اینکه «خود» تا چه اندازه به نوع ملی شباهت دارد یا تصور از خود در یک فرد تا چه حد با ویژگی ها و صفات منتسب به گروه ملی مطابقت می کند. (واژه اصالت اشاره به همین مفهوم دارد) ۸- احساس هویت ملی ممکن است، به باورهای ما در مورد نحوه تلقی افراد خارج از گروه ملی نسبت به گروه ملی ما مرتبط باشد. مثلا افرادی که در کشورهای دیگر زندگی می کنند، نگرش مثبتی نسبت به ملت ما دارند و برای آن احترام زیادی قائلند. یا ممکن است بر این باور باشیم که آنها نگرش منفی نسبت به ملت ما دارند، ملت ما را بدنام می کنند و برای آن احترام قائل نیستند. این باورها روی نحوه تفکر و احساس ما نسبت به گروه ملی مان اثر گذار است. احساس عزت نفس جمعی همگانی عامل بسیار مهمی در نحوه شکل گیری هویت اجتماعی مردم یک کشور است. (بارت ترجمه شهابی، ۱۳۸۱)

مهمترین عوامل تاثیر گذار بر هویت ملی

بازتولید هویت ملی ابتدا درون خانواده صورت می گیرد. پس از آن، بخش مهمی از انتقال هویت ملی بر عهده سیستم آموزش و پرورش رسمی قرار دارد. دویتیچ (۱۹۹۸) معتقد است که چنانچه نظام آموزش و پرورش نتواند افراد را به هویت ملی شان معتقد و علاقه مند سازد، چه بسا با خطر سرکوبی هویت خویش و روی آوری کامل به دیگر هویت ها مواجه شویم (رضایی و دیگران، ۱۳۹۰) فرایند هویت یابی انسان از دوره کودکی



آغاز می شود و در دوران نوجوانی به اوج خود می رسد (اریکسون، ۱۹۸۶؛ به نقل از برک، ۱۳۸۶) این سنین بخش عمده ای از دوران تحصیل در مدرسه را در بر می گیرد. به نظر میسر مدارس را باید یکی از مکان هایی دانست که در آن هویت ملی مشترک، زایش دوباره می یابد و کودکان برای تبدیل شدن به شهروندی دموکراتیک آماده می شوند. در مورد خرده فرهنگ هایی که ممکن است درک مشوشی از هویت ملی داشته باشند، مدارس می توانند به منزله عامل تعادل بخش آموزه های محیط فرهنگی خانواده عمل کنند (به نقل از صادق زاده و منادی، ۱۳۸۷) با توجه به تعدد منابع هویت ساز در عصر جدید، آگاهی و اطلاع از نحوه تعریف و برداشت کودکان و نوجوانان از هویت ملی خویش جهت برنامه ریزی های اجتماعی و فرهنگی ضروری است. توجه به همین ضرورت ها سبب شده است که آموزش هویت ملی همواره یکی از اهداف آموزش و پرورش ایران تلقی شود. به طور مثال، در بخش اهداف فرهنگی ۱۳۷۷ کلی نظام آموزش و پرورش مصوب در قسمت اهداف - هنری به خرده هدف های زیر اشاره شده است (۱) دانش آموز (با برخی از آثار هنری اسلامی و ایرانی آشنا است (۲) برخی از آداب فرهنگی و اجتماعی اسلامی - ایرانی را می داند و برای آنها ارزش قایل است. (۳) با آثار برجسته ادب فارسی مأنوس است (۴) دستاوردهای فرهنگی و هنری جامعه ایرانی را جزئی از هویت ملی خویش می داند. (ملکی، ۱۳۸۷) در برنامه درسی ملی مصوبه ۷۴۵، جلسه شورای عالی آموزش و پرورش در سال ۱۳۸۶ نیز در قسمت اصول حاکم بر برنامه درسی، دومین اصل به « تقویت هویت ملی » اختصاص دارد و بیان می کند: « برنامه درسی و تربیتی باید زمینه های ارتقای هویت ملی را از طریق توجه و تقویت باورها و ارزش های اسلامی، فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، زبان و ادبیات فارسی، ارزش های انقلاب اسلامی، میهن دوستی، وحدت و استقلال ملی فراهم نماید و تلاش کند که هویت متربیان را به سطح هویت الهی ارتقاء دهد. (ملکی، ۱۳۸۷) « سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۰ با هدف بهبود و اصلاح نظام آموزشی کشور، رفع چالش ها و پاسخگویی به تحولات محیطی و نیاز های جامعه به تصویب رسید. از جمله گزاره های ارزشی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی در این سند که به هویت ملی ارتباط دارند، عبارت است از: (۱) زمینه سازی کسب شایستگی های پایه - با تاکید بر خصوصیات مشترک اسلامی - ایرانی و انقلابی، در راستای تکوین و تعالی پیوسته هویت دانش آموزان در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی (۲) صیانت از وحدت ملی و انسجام اجتماعی با محوریت مشترک اسلامی - ایرانی. (۳) وطن دوستی و افتخار به ارزش های اصیل ماندگار اسلامی - ایرانی و اهتمام به برپایی جامعه مهدوی. (۴) تقویت گرایش به زبان و ادبیات فارسی به عنوان زبان مشترک (۱۳۹۰) از آنجایی که دانش آموزان در سنین کودکی آمادگی بیشتری برای یادگیری دارند و آموخته های این سنین از دوام و پایداری بیشتری برخوردار است، دوره پیش دبستانی نقش بسیار مهمی در انتقال هویت ملی بازی می کند. لذا، شناخت چگونگی آموزش هویت ملی در این دوره از اهمیت مضاعفی برخوردار است. همچنین از اهداف برنامه و فعالیت های دوره

پیش دبستانی، ۱ - پرورش مهارت‌های جسمی- حرکتی، ۲ - پرورش روحیه و رفتار عاطفی، ۳ - پرورش مهارت‌های ذهنی، ۴ - پرورش صفات اخلاقی و رفتارهای اجتماعی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی، ۵ - انس با قرآن و علاقه به یادگیری آن، ۶ - پرورش ذوق هنری و زیبایی‌شناسی، ۷ - تقویت حس دینی و علایق مذهبی، ۸ - پرورش هویت ملی، ۹ - پرورش مهارت‌های زبان فارسی، ۱۰ - ارتقای سطح بهداشت و ایمنی، ۱۱ - آشنایی با محیط‌زیست و علاقه و انس با طبیعت و حفظ آن، است. در این اهداف یازده گانه پرورش هویت ملی نیز از هدف‌های آموزش پیش از دبستان است. دستیابی به این هدف از طریق الف- تقویت تعلقات دینی و ملی، افتخار به مسلمان و ایرانی بودن، آشنایی و علاقه به امام خمینی (ره)، رهبری انقلاب و شخصیت- های دینی و ملی، آشنایی و علاقه به مسجد و مکان- های زیارتی، آشنایی و علاقه به میراث فرهنگی (اماکن تاریخی، آداب و رسوم پسندیده و ...). ب- شناخت، تقویت علاقه و احترام به نمادهای ملی، شناخت پرچم جمهوری اسلامی ایران و احترام به آن، حفظ کردن سرود ملی کشور و احترام به آن، آشنایی اجمالی با نقشه کشور ایران، آشنایی با زبان فارسی و علاقه به آن، آشنایی با نام رهبر و رئیس جمهوری و احترام به آن ها، پ- آشنایی و احترام گزاردن به آداب و رسوم و مناسبت-های دینی و ملی، توجه به اعیاد و مناسبت-های مهم اسلامی، ایرانی و انقلابی (مبعث، غدیر، نیمه شعبان، فطر، قربان و نوروز، محرم و روز عاشورا، ماه رمضان، شب‌های قدر، دهه ی فجر، ۱۲ فروردین، روز مادر، روز پدر، روز معلم، روز طبیعت، روز درختکاری و شب یلدا) و علاقه به حضور در مناسبت‌ها محقق می‌شود.

ادبیات و هویت ملی کودکان

در مطالعات و بررسی‌های علمی فرهنگی آشنایی با نقش ارزش‌های ملی و معنوی ملت‌ها که در شکل‌دهی به تفکرات علمی و تربیتی آنها تأثیر بسزایی دارد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. آشنایی با توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری و روحی روانی هرملت همچون عقل، طرز تفکر، اخلاق، آداب و رسوم، شیوه‌ی امرار معاش و ثروت‌های معنوی از قبیل ضرب‌المثل، داستا‌ن‌ها، چیستا‌ن‌ها، لالاتی‌ها، ترا نه‌های ملی و مردمی، شخصیت‌های شاخص دینی آثار ادبا و دانشمندان نقش و نگارهای موجود بر روی سنگ‌ها و صخره‌ها و غیره، در بررسی‌های فرهنگی و علمی اهمیت خاصی پیدا می‌کنند. چنین ارزش‌های موروثی که مقام ویژه‌ای در دل و جان مردم و خانه و کاشانه‌ی عموم به شکل ملی و معنوی تبیین و تعیین می‌شود و در تاریخ هویت و خودشناسی مردم و زندگی روزمره و تاریخ و فرهنگ کلی آنان منعکس می‌شود. در لابه‌لای این منابع سرشار ارزشی که با ظرافت‌ها و احساسات مملو از اخلاق درخشان منور است، آمال و آرزوها، شایستگی‌ها، غرور و شعور و شخصیت ملی و نظایر آن مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. درختی که بر پایه و ریشه‌های متعلق به خود استوار نباشد در



مدت کوتاهی پوسیده و از بین خواهد رفت. بنابراین ملتی که براساس نژاد و ریشه های خاص خود زندگی نکند و به آثار ملی و معنوی خود تکیه ننماید از قافله ی تمدن و پیشرفت عقب خواهد ماند و در مدت کوتاهی در سراسرایی سقوط و انحطاط قرار خواهد گرفت. بنابراین ارزش های ملی و معنوی از مهم ترین خزائن برتری و برجستگی های فرهنگی یک ملت محسوب می شود (خدایی مجد، ۲۰۱۲) تربیت کودکان در ایران توسط والدین و خانواده ها براساس ارزش های معنوی حاکم بر جامعه ایرانی شکل گرفته است و مبتنی بر منابع علمی کهن و فرهنگ عمومی می باشد این ارزش ها در تعلیم و تربیت فرزندان و در شکل دهی به هویت ملی، نژادی و مکتبی آنان و همچنین در بروز احساسات صاف و متبلور آن ها نسبت به وطن و خلق خویش نقش مؤثر ایفا کرده است. این امر نشانگر آنست که ارزش های ملی معنوی ملت ایران دارای ماهیت علمی است و در شکل دهی به سلامت عمومی و تربیت صحیح اجتماعی اهمیت زیادی دارد. در خانواده های ایرانی مهمترین روشهای تربیتی یعنی لائیه ها، ضرب المثل ها، چیستان ها و قصه های بومی نقشی مؤثر و مهم در تقویت ویژگی های روانی و اجتماعی کودکان دارد.

لائیه ها

یکی از بهترین و زیباترین سرمایه های ملی و معنوی ملت ایران که نشان خلاقیت بارز آنان در رفتار با کودکانشان می باشد، لاییه هاست. لاییه ها که یکی از باستانی ترین بخش ترا نه های کودکان در فرهنگ عامه ملت ایران محسوب می شود نغمه و آوازی است که توسط مادر و در سر گهواره نوزاد با آهنگی خاص و موزون خوانده می شود. مادران با همین نغمه و آواز سحرآمیز که با هدف خواباندن و گاهی نوازش و یا آرام کردن کودکان صورت می گیرد، کودکان خود را به زیباترین مظاهر عالم تشبیه کرده، و از جور و ستم دنیا شکایت ها و از همراهی زمانه با او شادی ها می کنند و همه خوبی ها را برای او می خواهند. بی هیچ شک می توان گفت که پاک تر و مقدس تر از لاییه های مادر، موسیقی وجود ندارد (خدایی مجد، ۲۰۱۲) آنها با عزیز شمردن فرزندان خود و آرزوی خوشبختی برای آنان عشق و محبت به زندگی و وطن را به روح کودک خود تزریق و او را واکسینه می کنند. لاییه ها، توجه به سرزمین و مردم، طبیعت، محبت، صفا، گل، دریا، رودخانه، عدالت، درستی و دیگر احساسات ناب را به قلب کودک تلقین و زنده کرده و آنها را از لحاظ روحی و روانی برای برخوردار شدن از یک زندگی سعادت مند آماده تر می کند. لاییه ها اولین موسیقی در قالب کلام هستند که به شکل کاربردی و با حرکت ملایم گهواره حس شنوایی کودک را تحریک کرده و با این کار، خواب را به چشمان کودک هدیه کرده، او را به آرامش فرو می برد. در اکثر لاییه ها که با حزن و اندوه و گریه توأم بوده مادر علاوه بر ابراز عشق و علاقه نسبت به درد فرزند خود، دل خود را خالی می کند. لاییه ها محصول احساسات عاطفی و محبت قلبی مادر است و در لایه های آن ها نوعی احساس و عاطفه و عشق و محبت و آرزوهای عمیق نهفته است. علاوه بر



این ها در لایه های مادر که گاه با احساس گله و حسرت تنهایی و نگرانی، توأم است رنج و درد و بعضاً مشکلات اجتماعی و اقتصادی نیز به چشم می خورد.

قصه

بهره گیری از قصه و داستان یکی از راه های اصلی پرورش و اصلاح رفتار انسان به خصوص در بین کودکان و نوجوانان تلقی می شود. قصه و داستان به عنوان یکی از مناسب ترین روش های تربیتی، مهم ترین و ارزشمندترین ابزار برای خودشناسی است و کودک از این طریق مفاهیم و ارزش های موجود در آن را با مفاهیم و نظرات شخصی خود مقایسه می کند. کودک با خواندن یا شنیدن داستان های خوب و متناسب با نیازهای خود می تواند با همذات پنداری^۱ با شخصیت های اصلی داستان در انگیزه ها، کنش ها و تجربه های آنها سهیم شود. در این روند داستان بخشی از تجربه های شخصی کودک یا نوجوان می شود و افزون بر چالش ذهنی برای آنها فرصتی برای خودآزمایی و مسأله گشایی در دسترس آنان می گذارد. همچنین کودک با شخصیت های داستان به طور غیرمستقیم در تعامل است و از طریق رویدادهای داستان با اطلاعاتی روبرو می شود که ممکن است در هیچ جای دیگر به آنها برخورد نکند. از این رو تلاش می کند آنها را در طرحواره ها یا الگوهای خود برون سازی کند. ویژگی مهم دیگر داستان سرگرم کنندگی آرامش بخشی و لذت بخشی آن است. این تأثیرها همانند نیروی محرکه عمل می کند تحول ساختارهای ذهنی را آسان تر و سریع ترمی کند. به عبارتی، هنگامی که قصه و داستان اشتیاق کودک را بر می انگیزد، تلاش برای برقراری تعادل در او تقویت می شود. به نظر می رسد کودک در دوره عملیات عینی (۷ تا ۱۱ سالگی) به موجب توانایی های خود می تواند واکنش مناسب تری به داستان نشان دهد. کودک در این دوره از بند خودمیان بینی^۲ آزاد می شود. همزمان با فراگیری مهارت خواندن داستان امکان مؤثر و کارآمدی فراهم می کند تا کودک دیدگاه های تازه ای که فرصت تجربه آنها را نداشته است، درک کند. کودک با خواندن یا شنیدن داستان مجال می یابد ذهنیت های ثابت و تغییرناپذیر خود را مورد شک و تردید قرار دهد.

از کارکرد های عاطفی داستان نیز می توان در رشد کودک بهره جست. هنگامی که کودک داستان را می خواند یا به آن گوش می دهد سه فرآیند «هماندسازی»^۳ «پالایش روانی»^۴ و «بینش»^۵ را تجربه می کند. اگر داستان

¹ Imagination

² Egocentric

³ Identification

⁴ Catharsis

⁵ Insight



مناسب حال و در خور استعداد کودک باشد او می تواند خود را جایگزین شخصیت یا قهرمان داستان کند و از این طریق در انگیزه ها و تعارض های وی سهیم شود. هنگامی که کودک کشف کند در مشکلات خود تنها نیست و کودکان دیگری نیز در این تجربه ها شریک هستند احساس امنیت و آرامش می کند و از تنهایی او کاسته می شود. هنگامی که کودک و شخصیت مورد نظر انطباق یافتند تخلیه هیجان ها صورت می گیرد و تخلیه روانی اغلب پس از رفع تعارض شخصیت های داستان رخ می دهد. به عبارتی کودک از طریق پالایش روانی، بستری برای تخلیه هیجان های خود پیدا می کند. با توجه به این موارد که حاکی از اهمیت قصه و تأثیر آن در رشد روانی و اجتماعی کودک می باشد، ضرورت استفاده از قصه و داستان در رشد و پرورش کودکان بیش از پیش احساس می شود و توجه ایرانیان در طول اعصار و قرون قبل نیز نشان از حکمت عمیق آنها در استفاده از این روش در پرورش کودکان می باشد. قسمت اعظم قصه های ایرانی از نوع قصه های پریان بوده که پر از رمز و راز هستند و کارکردهای روان شناختی و تربیتی دارند و محتوای غالب آنها توجه به تقویت ویژگی هایی چون: همذات پنداری، مثبت اندیشی، پرورش قوه تخیل و خلاقیت، تقویت حس مسؤولیت پذیری و ایجاد تحول درونی در کودکان بوده و سعی شده است به پرورش مهارت انتقال های اجتماعی، ارزش های فرهنگی، دینی و اخلاقی و به ویژه تقویت حس اعتماد به نفس و غیره کودکان پرداخته شود. آنچنان که دکتر افروز (افروز و خانبانی، ۱۳۸۶) در مقاله ای با عنوان "نقش قصه گوئی در پرورش روحیه ملی و احساسی مذهبی کودکان و نوجوانان" نشان داده است که قصه گوئی در پرورش روحیه ملی- مذهبی کودکان و نوجوانان تأثیر داشته است. (صنعتی و هکاران، ۱۳۹۴)

چیستان ها

یکی از روش های ارزشمند در پرورش سنتی کودکان و نوجوانان ایران استفاده از معما یا چیستان هاست که مسیر طولانی تکامل را طی کرده و در بخش مهمی از زندگی و معیشت مردم مورد استفاده قرار گرفته است. چیستان سؤال هایی هستند در قالب رمزهای عامیانه که از قدیم با اهداف روان شناختی و با توجه به موقعیت های مختلف برای پر کردن اوقات فراغت، هوش آزمایی، بازی ذهنی، سرگرمی، شادمانی، یادگیری و افزایش اطلاعات و حل مسأله و آموزش آیین و آداب زندگی... مورد استفاده قرار می گرفته و طرفداران زیادی به خصوص در بین کودکان و نوجوانان داشته است. استفاده از چیستان ها در مجالس و نشست شب های خانوادگی همراه با صرف شب چره هایی نظیر مغز گردو و کشمش و تخم کدو، تخم آفتابگردان غیره صورت می گرفت بدین شکل که یک نفر از جمع خانوادگی که در طرح چیستان معلومات و تبحر بیشتری داشت مسأله یا معمای جالب را مطرح می کرد و بقیه جهت پیدا کردن پاسخ به تفکر می پرداختند و جهت حل کردن معما حتی ساعت ها تلاش می کردند و هر کس که موفق به حل معما می شد، ابراز شادمانی می کرد و بقیه او را مورد



تشویق و تحسین قرار می دادند و بدین وسیله شب خوشی را می گذرانیدند. با توجه به ساختار وجودی چیستان ها که آمیزه ای از سرگرمی، هوش آزمایشی و بازی ذهنی است. (قایینی، محمدی، ۱۳۸۲) انسان های روزگاران پیشین همیشه در پی آن بودند که با ابزارها و آزمون های مناسب، اندازه هوش کودکان و نوجوانان را بیازمایند. چیستان ها بهترین ابزار برای اندازه گیری هوش و توانایی ذهنی افراد بود که آنها را در جمع و به خصوص در کانون خانواده یا گردهمایی هایی با دیگران در میان می گذاشتند. علاوه بر آن چیستان ها، علمی ترین و مناسب ترین روش برای تربیت و تحریک تفکر نطق و بیان، حافظه، خلاقیت، ادراک و عامل اصلی رشد و تقویت هوش، تخیل و... در بین کودکان و نوجوانان به شمار می رفت. علاوه بر اینها مشاهده و درک مفاهیم موجود در چیستان موجب حفظ بلندمدت بسیاری از مفاهیم و معلومات در ذهن افراد می شد. از جهات دیگر نیز چیستان ها موجب گستردگی و افزایش اطلاعات و آگاهی های انسان می شود. با طرح سؤال یا معما و یافتن پاسخ آنها کودکان و نوجوانان با طبیعت و اشیای موجود در آن و همچنین با کیفیت آنها آشنا می شوند.

ضرب المثل ها

یکی از جالب ترین شیوه های تربیت کودکان در ایران استفاده از ضرب المثل هاست. مثل ها سخنان کوتاه و حکیمانه پیشینیان است که برای آیندگان به ارمغان نهاده شده است و تصویر روشنی از تجربه و اندیشه ی گذشتگان را در قالب پند و اندرز و حکمت در عباراتی کوتاه و نغز در دسترس مردم قرار می دهد و جای توضیح بیشتر را می گیرد و نشانگر طرز تفکر، روحیه و خصوصیات اخلاقی و عقیدتی افراد آن جامعه محسوب می شود. ضرب المثل پدیده ای است که ضرورت و نیازهای مردم آن را خلق کرده و از سال های دور تاکنون سینه به سینه گشته و به ما رسیده است و هر قوم و ملتی به زبان مناسب با اوضاع و احوال خود آن را بیان کرده و از آن استفاده می کند. در بیان نقش مَثَل ها در تحکیم روابط اجتماعی و نزدیکی افکار باید گفت که با وجود کوتاه و مختصر بودن بی درنگ بر دل نشسته و باعث می شوند گفتگوهای طولانی کوتاه شود. اگر کسی مَثَلی را درست و در جای خود به کار ببرد گفتارش شیرین تر و حرفش اثربخش تر می شود. «استفاده از مَثَل ها، عقل را زیاد و هوش را تقویت و سخن را شیرین و دیده را بینا و نظر را رسا و درست و یاددارنده اش را عزیز و بزرگ و صدرنشین می سازد» (سروری، ۱۳۸۵) مَثَل ها با وجود کوتاهی لفظ و سادگی و رسایی، شنونده را در افکار عمیق فرو می برد و آن جمله را از گوش به اعماق قلب سوق می دهد و انفعالات هیجانی و شناختی در نقش او به وجود می آورد. (عفیفی، ۱۳۸۲) مَثَل دستاویز انسان ها به عنوان اصول استدلالی برای حاکم و محکوم کردن در گفتگوها و مباحثات در زندگی روزمره محسوب شده و افراد هر زمان بخواهند حرف خود را به کرسی بنشانند از آنها استفاده نموده و مطالبات خود را به دست می آورند. اینجاست که ضرب المثل ها به عنوان یک خاستگاه اصیل و مداوم در معاشرت و تبادل افکار مطرح روابط کلامی را رنگین می شده می کند. به عنوان مثال دو نفر با



هم صحبت می کنند و یکی از آنها به ناراحتی خود آب و تاب داده و خود را درمانده و مسأله را به عنوان یک مشکل حاد قلمداد می نماید دوستش به او می گوید « چرا از کاه، کوه می سازی » درست است که مشکل دارید ولی این را که تو گفتی در سطحی نیست که خود را بسیار درمانده نشان بدهید.

در اکثر ضرب المثل های ایرانی بهره مندی از مهم ترین جنبه های زندگی همچون رشد عقل، تخیل، تفکر، قابلیت، صنعت و پیشه و همچنین جهات اخلاقی - اجتماعی مهربانی و، محبت، رازداری، همکاری، شخصیت از قبیل احترام ... موج می زند و می توان از آنها در رشد و تکامل انسان استفاده کرد. همچنین در بررسی ضرب المثل های ایرانی شاهد توجه پیشینیان به جنبه های تربیتی و آموزشی کودکان و توجه به تفاوت های فردی، تحلیل رفتار، استعداد و توانایی، ویژگی های جوانی، نسبیّت ارزش ها، درون گرایی و ... آشکارا به چشم می خورد. کلاس به یقین وجود این مثل ها انعکاس تفکرهای است که امروزه از آنها می توان در پیشرفت نسل ها به طور وسیع و گسترده استفاده کرد و به ترویج این حقیقت اقدام کرد که ضرب المثل های ایرانی بسیار برگزیده و با حکمت بوده و یکی از مؤثرترین نوع ارزش های ملی و معنوی در پرورش و سلامت کودکان و نوباوگان این سرزمین می باشد. (خدایی مجد، ۱۳۹۱) خود پنداری با مفهوم از خود از هنگام تولد آغاز می شود و در دوران رشد و مراحل آن شکل می گیرد. این که کودک سرانجام چگونه احساسی در باره خود پیدا می کند، نتیجه تماس ها و تجربه های مختلف او با افراد دیگر و محیط است. اگر بیشتر این تماس ها و تجربه ها مطلوب باشند، کودک احساس خوبی درباره خود پیدا می کند. اگر کودک مورد محبت قرار گیرد و از او مراقبت به عمل آید و محیطی محرک و برانگیزاننده برایش تدارک دیده شود و نیز مورد غفلت قرار نگیرد و یا بیش از حد تنها گذاشته نشود، سرزنش نشود و با خشونت و سختی محدود نگردد، بی تردید شروع به رشد می کند. آموزش پیش از دبستان در دوران اولیه کودکی^۶ این شرایط را برای کودک فراهم می کند تا در محیطی شاد با همسالان خود به شناخت خود و هویت فردی و اجتماعی بپردازد. در این سطح از آموزش با به کار گیری روش های قصه گوئی، شعرو ... سعی می شود کودکان را با هویت ایرانی - اسلامی آشنا ساخته و پایه های هویت یابی بنا گذاشته شود.

نتیجه گیری

آموزش و پرورش نقش مهمی در تحکیم و تقویت هویت ملی دارد، این نقش در دوره ابتدایی به دلیل آشنایی اولیه دانش آموزان با نمونه ای از جامعه و تاثیر پذیری گسترده آن ها از کتاب ها و معلمان پررنگ تر می باشد.

⁶ Early Childhood Education



دسترسی محدود تر کودک به سایر منابع هویت یابی و نیز اثر بادوام یادگیری های فرد در این سنین اهمیت آموزش های پیش دبستانی و ابتدایی را دو چندان می کند.

مطالعات صورت پذیرفته نشانگر آنست که توجه به چگونگی پرورش کودکان اهمیت ویژه ای برای والدین و به ویژه مادران در ایران داشته است و آنان سعی داشتند روش های تربیتی سالم و مبتنی بر ارزش های ملی و معنوی را برای رشد کودکان خود برگزینند. برای نمونه لایه های مادران ایرانی نمونه ای بسیار جالب از خلاقیت بارز آنان در برقراری ارتباط با کودکانشان و شیوه تربیت آنان می باشد.

ایرانیان حتی در برخورد با فرهنگ غنی دین اسلام، ضمن پذیرش آن، خدمات ارزنده ای به اسلام کرده اند و در پی آن فرهنگ ایرانی-اسلامی را پدید آوردند. این امر حکایت از آن دارد که ایرانیان به هنگام مواجهه با فرهنگ های دیگر به پذیرش عناصر سازنده آن می پرداخته اند، چنانکه در حین رویارویی با اعراب مسلمان به گزینش برترین جنبه فرهنگ آنان که همانا دین اسلام بود، پرداخته و در مقابل با طرد عناصر نامطلوب فرهنگی آنان که ریشه در تفکرات عرب جاهلی داشت، دست به انتخاب زدند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، دیگر بار مسئله بازگشت به هویت خویش مطرح شد و تاکید بر حفظ دستاوردهای فرهنگ ملی - دینی گردید. امروزه یکی از راههای انتقال ارزش ها و هنجارهای هر جامعه و معرفی سازوکارهای مناسب و درونی کردن آنها، فعالیت های فرهنگی به خصوص قصه گویی و استفاده از ادبیات کودکان است و با توجه به فراوانی آن در بین دیگر فعالیت های فرهنگی برای نیل به اهداف مورد نظر از جایگاه ویژه ای برخوردار است. در میان نسل های گوناگون بشری، بی تردید دوران کودکی از مهمترین و تاثیرگذارترین دوران حیات انسان به شمار می آید. دوره کودکی لبریز از معصومیت و پاکی، سرشار از راز و رمز و حاکمیت سرشت بی آرایش آدمی است. در این دوره ظرفیت های ذهنی او پذیرای جستجو کردن، یافتن و فرا گرفتن است. بدین ترتیب باورها و اعتقادات ریشه ای در این دوره شکل گرفته و نهادینه می شود، طبع لطیف و تاثیرپذیر کودک استعداد پذیرش و الگوسازی قوی تری دارد. در این سال ها انسان با ناملازمات زندگی اجتماعی، زنگارهای روح و روان بزرگسالی و دغدغه های فکری که او را از درک معادلات ظریف انسانی باز می دارد مواجه نیست. رشد و تکامل انسان حاصل دانش و اندیشه و تفکری است که در طول زمان می آموزد. از سوی دیگر، کودکان صاحبان فردای هر جامعه و وارثان و پاسداران تلاش نسل های گذشته هستند. در نتیجه آموزش صحیح در دوران نخستین زندگی و پیش از ورود جدی به عرصه اجتماع اهمیتی فوق العاده و حیاتی خواهد داشت. این آموزش ابعاد گسترده ای دارد و جنبه های علمی، اجتماعی، هنری، دینی و تاریخی را در برمی گیرد، به علاوه شناخت کودکان از جامعه خودی و فرهنگ و آداب و سنت ها و به طور کلی هنجارهای حاکم بر آن و همچنین شناخت کلیت شرایط حاکم بر جهان ضروری است. تردیدی



نیست که برخی از این آموزه‌ها در خانه و محیط زندگی کودک روی می‌دهد، پیشرفت‌ها و آموزش‌های آکادمیک را نیز کودکان در کلاس درس فرا می‌گیرند اما پی‌ریزی ورود به عرصه زندگی اجتماعی در آینده و تربیت انسان‌هایی محکم و استوار دامنه‌ای وسیع‌تر را می‌طلبد. نقش برنامه ریزان فرهنگی هر جامعه در این رهگذر بسیار حیاتی است. هویت فرهنگی ما، همان هویت ایرانی که تلفیقی از ایرانیت و اسلامیت ما است. با عنایت به اینکه کشور ایران در سالیان دراز گذرگاه اقوام مختلف بوده است، به تبع آن در این فرایند، هم‌تاثیر گذار بوده و هم‌تاثیرپذیر، زیرا در تعامل و گاهی تعارض با سایر فرهنگ‌ها بوده است. لذا حفظ هویت ملی و فرهنگی‌امری خطیر، واجب و مهم است. فرهنگ ملی ایران خاص مردم ماست که ملهم از ویژگی‌های محیط جغرافیایی، جهان‌بینی، نگرش، خواست‌ها، آرزوها، اندوه‌های مشترک، احساسات و اعتقادات بوده و دارای رنگ و بوی ایرانی، اسلامی است. داشتن چنین فرهنگی به ملت ما تشخیص و هویتی متفاوت از دیگران می‌بخشد. این همان عاملی است که می‌تواند ملت ما را در میان ملت‌های دیگر مطرح سازد و موجبات روی پای خودایستادن و مورد توجه قرار گرفتن را فراهم نماید. هویت فرهنگی هر ملتی در انسجام بخشیدن به جامعه و پیش‌گیری از گروه‌گروه شدن آن‌ها و نیز عدم پیروی از ارزش‌های بیگانه نقشی اساسی دارد.

منابع

آجودانی، ماشاءالله، (۱۳۸۶)؛ "نسل تقی زاده و بازیابی هویت تاریخی و فرهنگ ملی"

آشوری، داریوش، (۱۳۷۳)؛ "دانش نامه سیاسی"، تهران، مروارید.

احمدی، حمید (۱۳۸۸)؛ "بنیادهای هویت ملی ایرانی: چارچوب نظری هویت ملی شهروند پرور"، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.



- اسدی، لیلا سادات، (۱۳۸۷)؛ "حق کودک بر هویت"، مجله فقه و حقوق خانواده، شماره ۴۹
- اشرف، احمد، (۱۳۸۳)؛ "بحران هویت قومی و ملی در ایران"، مجموعه مقالات ایران، هویت، ملیت، قومیت، تهران، انتشارات مؤسسه تحقیقات و علوم انسانی.
- برک، لورا ای. (۱۳۸۴)؛ "روان شناسی رشد"، مترجم یحیی سید محمدی، جلد اول، تهران، انتشارات رشد.
- بروجردی، مهرداد، (۱۳۷۹)؛ "هویت ایرانی در فراسوی مرزها"، پاییز متن سخنرانی، فصلنامه مطالعات، ملی
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۰)؛ "جهانی شدن و فرهنگ"، مصاحبه، روزنامه ایران، سال هفتم، شماره ۱۹۱۹.
- بی نا، (۱۳۸۶)؛ "هویت ایرانی". مؤسسه دانش و پژوهش ایران،
- تاجیک، محمد رضا (۱۳۸۴)؛ "انسان مدرن و معمای هویت". فصلنامه ملی، س ۶، ش ۱ (مسلسل شماره ۲۱) صص ۹-۲۸،
- تکمیل همایون، ناصر، (۱۳۸۶)؛ "هویت همواره شکوفای ایرانی"، ماهنامه چشم انداز ایران، شماره ۲۵.
- ثلاثی، محسن، (۱۳۸۵)، "هویت بر پایه خود آگاهی"
- حاجیان، ابراهیم (۱۳۷۹)؛ "تحلیل جامعه شناختی هویت ملی ایران و طرح چند فرضیه"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵
- حسینی انجدانی، مریم و زهرا درویزه (۱۳۹۱)؛ "بررسی و مقایسه ابعاد عاطفی، شناختی و رفتاری هویت ملی؛ مطالعه موردی دانش آموزان راهنمایی و متوسطه و دانشجویان شهر تهران"، فصلنامه مطالعات ملی؛ سال سیزدهم، شماره ۲



خدائی مجد، وحید؛ بخشعلی اف، ارسطو (۱۳۹۱)؛ " بررسی ابعاد روان شناختی الگوهای سنتی پرورش کودکان در خانواده های ایرانی " زن و مطالعات خانواده :: بهار ۱۹۳۱ - شماره ۵۱ (علمی-پژوهشی) از ۱۸ تا ۶۰۱

دان، رابرت جی، (۱۳۸۵)؛ "نقد اجتماعی پست مدرنیته بحران های هویت"، ترجمه: صالح نجفی، تهران: نشر پردیس.

رضایی، احمد، منصور بککی، سیروس، عابدینی، بلترک، میمنت (۱۳۹۰)؛ "جایگاه برنامه های درسی دانشگاهی در تقویت هویت ما" فصلنامه ی دانشجویان، مطالعات ملی، سال دوازدهم، شماره ۱ سروری فخر، محمود (۱۳۸۵)؛ "ضرب المثل های فارسی"، تهران: پل.

سند تحول بنیادین در آموزش و پرورش (۱۳۹۰)؛ چاپ اداره کل آموزش و پرورش استان گیلان

شایگان، داریوش، (۱۳۸۰)؛ "افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار"، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران نشر و پژوهش فرزانه روز.

شیخاوندی، داور، (۱۳۸۰)، "ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران"، مرکز بازشناسی اسلام و ایران.

صادق زاده، رقیه و منادی، مرتضی (۱۳۸۷)؛ "جایگاه های هویت ملی در کتاب های درسی ادبیات فارسی و تاریخ دوره رشته متوسطه": فصلنامه انسانی، نوآوری های آموزشی، سال هفتم، شماره ۲۷.

صالحی امیری، سید رضا، حبیبی، فریبا (۱۳۸۸)؛ "ارزیابی فعالیت نقش کانون های نوجوانان پرورش فکری کودکان و د رحفظ و تقویت هویت فرهنگی کودکان ونوجوانان با تکیه بر قصه گویی " مدیریت فرهنگی: بهار ۱۳۸۸ - شماره ۳.

صنعتی، نادر؛ عظیمی هاشمی، مژگان؛ مهروی گور، زهره (۱۳۹۴) بررسی تاثیر محتوای داستان های کودکان بر جامعه پذیری آنها کودکان ۵-۶ سال شهر اصفهان؛ تحقیقات جدید در علوم انسانی: بهار ۱۳۹۴، سال اول- شماره ۳.



عبدالهی، محمد و حسین بر، محمد عثمان (۱۳۸۱)؛ "گرایش دانشجویان بلوچ به هویت ملی در ایران"، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره چهارم شماره ۴

عفیفی، رحیم (۱۳۸۲)؛ "امثال و حکم" تهران: صدا و سیما

کوشا، محمد مهدی (۱۳۸۷)؛ "دانستنی های سیاست: هویت"، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری، دفتر برنامه ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول.

گل محمدی، احمد، (۱۳۷۹)؛ "فرهنگ، مهاجم، تبادل، تحول"، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۶.

مارتین بارت؛ شهابی، محمود (۱۳۸۱)؛ "شکل گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی". رشد آموزش علوم اجتماعی: پاییز ۱۳۸۱ - شماره ۰۲ و ۱۲ از ۲۱ تا ۹۱

ماسن، پاول هنری و همکاران (۱۳۸۰)؛ "رشد و شخصیت کودک"، ترجمه مهشید یاسایی، تهران: مرکز ج ۱۷.

مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۵)؛ "دمکراسی و هویت ایرانی"، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۲۲ - ۲۲۱.

محمدی، محمدهادی و قایینی، زهره (۱۳۸۲)؛ "تاریخ ادبیات کودکان ایران « ادبیات شفاهی دوران باستان »" تهران: چیستا

ملکی، حسن (۱۳۸۷) "مبانی برنامه ریزی درسی آموزش متوسطه"، تهران، انتشارات سمت

میرفخرایی، تژا (۱۳۸۵) "زبان، رسانه و بازنمایی هویت". پژوهش های ارتباطی: زمستان ۱۳۸۵ - شماره ۸۴ از ۹۶ تا ۴۸

نجار نهبانندی، مریم؛ قربانعلی زاده، مژده (۱۳۹۳) "تحلیلی بر هویت ملی در کتب درسی" (مطالعه موردی مطالعات اجتماعی) پژوهش های تربیتی :: پاییز و زمستان ۳۹۳۱ - شماره ۹۲ (علمی-ترویجی) از ۹۷ تا ۱۰۱

نقیب زاده، احمد، (۱۳۸۱)؛ "تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران"، تهران، انتشارات وزارت خارجه.



یوسفی، علی، (۱۳۸۰)؛ "روابط قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران" فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸.

Khodaei- Majd, V. (2012), **Direction toward the development of psychological thinking in Iran during the 20th century**. Doctoral dissertation. Baku state university

Giddens, A. (1989) **Sociology**. Cambridge, Polity Press.

Archive of SID